

مبارزه کارگران، دستمزدها، بی‌کاری و بحران اقتصادی!

بهرام رحمانی

bamdadpress@wnit.nu

رییس هیات مدیره سندیکای صنعت برق در تاریخ 26/11/1388، در گفتگویی با ایلنا، خبر تکان‌دهنده‌ای داده است: «نهمصد هزار نفر از کارگران صنعت برق در آستانه بی‌کاری قرار دارند... صنعت برق 5 میلیارد دلار از دولت طلب دارد... بسیاری از تولیدکنندگان یا تعطیل هستند و یا با بخش اندکی از ظرفیت تولید کار می‌کنند... در حالت اضطرار هستیم و خیلی از مدیران ما فراری شده‌اند... بازار صادراتی در معرض خطر قرار دارد...»

رییس هیات مدیره سندیکای صنعت برق، گفت: متأسفانه رقم بدهی‌های دولت به ما آن قدر سنگین شده که در صورت عدم چاره جویی واحدهای تولید کننده مجبور به تعطیلی خواهند بود و بیش از نهمصد هزار نیروی کار که مستقیم و غیرمستقیم در این صنعت مشغول به کار هستند، در معرض بی‌کاری قرار دارند.

او در توضیح این مطلب افزود: چون دولت طلب‌های ما را به موقع نداده ما نتوانسته ایم وام‌هایمان را تسویه کنیم و بدهی‌مان به سیستم بانکی بسیار سنگین شده است. از این‌رو ما از سوی بانک‌ها تحت فشار شدید هستیم و بین خود اعضا نیز دعوی حقوقی در جریان است. او ادامه داد: بدهی وزارت نیرو به ما حدود 5 هزار میلیارد تومان است که 40 درصد از این مبلغ را شرکت مپنا به ما بدهکار است. او گفت: خریدار 99 درصد از تولیدات ما دولت است. وزارت نفت و نیرو عمده‌ترین مشتریان ما هستند اما وقتی کالا را می‌خرند و پول نمی‌دهند تعادل ما بر هم می‌خورد. این بحران سبب شده بازار صادراتی ما نیز در معرض خطر قرار گیرد. ما با بحران‌های کارگری مواجه شده‌ایم. هر چند سعی کرده‌ایم خطوط تولید را کامل تعطیل نکنیم اما در برخی واحدها با اعتراضات کارگران مواجه ایم. مثلاً در شرکت آونگان که به طور کامل تعطیل شد، برنامه‌ای برای صادرات به پاکستان طرح ریزی شده بود اما این شرکت هر روز شاهد تظاهرات کارگری است و به طور کامل تعطیل شده است. کارگرانی که حقوق هم نگرفته‌اند دست روی مواد اولیه موجود در این شرکت گذاشته‌اند و نمی‌گذارند آن را خارج کنیم در نتیجه ما با مشکلاتی مواجه‌ایم. او پیش‌بینی کرد اگر مشکل به زودی حل نشود بحران خاموشی از راه برسد و گفت: ما خواستار آن هستیم که برای پرداخت حقوق کارگران بخشی از مطالبات مان را از دولت بگیریم. در ضمن سوال ما این است که وقتی بانک‌ها از ما به خاطر تاخیر بهره می‌گیرند چرا مطالبات ما از دولت مشمول بهره دیرکرد نمی‌شود.

شکی نیست که هر بحران اقتصادی، قبل از هر کس زیست و زندگی مزدبگیران و مردم محروم و خانواده آن‌ها را پریشان می‌کند. به بیان دیگر، سیستم سرمایه‌داری به محض این که دچار بحران اقتصادی می‌شود، با راه انداختن تعدیل نیروی کار و بی‌کارسازی‌های وسیع، منجمد کردن دست‌مزدها، بالا بردن قیمت اجناس و مایحتاج ضروری مردم در بازار و فشار زیاد بر شاغلان، افزایش ساعات کار و غیره، آوار بحران اقتصادی خود را بر سر کارگران و خانواده آن‌ها ویران می‌سازد.

در حال حاضر بر اساس آمارهای رسمی، تولید نفت ایران به بیش از یک میلیون بشکه کم تر از سهمیه اوپک رسیده است. بحران سیاسی فزاینده در جامعه ایران از یک سو و تحریم‌های اقتصادی از سوی دیگر، اجازه سرمایه‌گذاری به شرکت‌های خارجی نمی‌دهد، صنعت نفت فرسوده شده است. بودجه دولت که بخش عمده آن به جیب سپاه و بسیج و سران حکومت و اطرافیان آن‌ها می‌ریزد، اکنون با کسر بودجه کلانی نیز روبرو است. گفته می‌شود صنایع نفت ایران به 500 میلیارد دلار سرمایه‌گذاری خارجی نیاز دارد. در حالی که مقامات و ارگان‌های حکومت اسلامی، سعی می‌کنند آمارها را تعدیل کرده و ابعاد آن را هر چه بیش تر محدود نشان دهند اما همین آمارها نیز از روند بحران گسترده خبر می‌دهند. بحرانی که می‌تواند به انفجار ناگهانی جامعه بیانجامد. حتا بخش زیادی از سرمایه‌داران نیز به دلیل این که اعتمادی به آینده حکومت اسلامی و تثبیت اوضاع کشور ندارند پول‌هایشان را از بانک‌ها بیرون می‌کشند و به خارج کشور منتقل می‌کنند. اخیر مردم عادی نیز با شنیدن بحران اقتصادی، برای خارج کردن پس‌اندازهای خود به بانک‌ها هجوم آوردند. حتا لیست اسامی بسیاری از مقامات حکومتی نیز در رسانه‌های فارسی زبان و بین‌المللی منتشر شده است که با خیزش اخیر مردم ایران و به دلیل نگرانی از آینده حاکمیت خود، مبالغ کلانی از ثروت‌های کشور را به حساب‌های شخصی خود در کشورهای غربی و یا کشورهای همسایه ایران انتقال داده‌اند. برای نمونه، چند ماه پیش رسانه‌های ترکیه و ایران خبر دادند که مبلغ «ناچیز» 18/5 میلیارد دلار پول نقد دلار و شمش طلا از طریق ایران وارد ترکیه شده بود توسط دولت این کشور ضبط شده است. در حالی که دولت ایران، مدت‌ها در این مورد سکوت کرد و هنگامی که خبرنگاران در این مورد از احمدی‌نژاد سؤال کردند، جواب منحرف‌کننده‌ای داد.

برای نمونه، در خبرها آمده است که دولت انگلستان، حساب بانکی «مجتبی‌خامنه‌ای» پسر علی‌خامنه‌ای، رهبر حکومت اسلامی را در یکی از بانک‌های لندن به مبلغ 1 میلیارد و ششصد میلیون دلار مسدود کرده است. گفته می‌شود حساب‌های مشابهی در آلمان به مبلغ 800 میلیون دلار به نام مجتبی‌تهرانی و 740 میلیون دلار به نام فردی به اسم شجونی وجود دارد. این رقم تنها گوشه کوچکی از انبوه حساب‌ها و سرمایه‌گذاری‌های کلان سران و آقازاده‌های حکومت اسلامی در بانک‌های غربی است. گفته می‌شود مجتبی‌خامنه‌ای، در همه جنایات پدرش هم‌فکر و همراه ایشان است. مجتبی، چهل ساله است و مافیای ایتارگران و انصار را اداره می‌کند. مجتبی مجتهد است و در منابع اجتهادی و فقهاتی نیز نفوذ دارد. همچنین گفته می‌شود که رهبری حکومت اسلامی، او را به عنوان جانشین پدرش مدنظر دارد.

بنا به گزارش سایت کلمه، یک‌شنبه 18 بهمن 1388، بحران بی‌سابقه اقتصادی کشور پس از پایان جنگ در حالی ایجاد شده است که دولت طی چهار سال اخیر از درآمد نجومی ارزی معادل 370 میلیارد دلار برخوردار بوده است.

در چنین موقعیتی، یک عضو کانون شوراهای اسلامی کار استان تهران با اعلام این که خط ف قر را 900 هزار تومان می‌دانیم، گفته است: بر همین اساس، دست مزد کمتر از 500 هزار تومان در سال آینده معیشت خانوار کارگری 4 نفره و بیش از آن را به مخاطره می‌اندازد. علی اکبر عیوضی، در گفتگو با خبرگزاری حکومتی مهر، از برگزاری جلسات و نشست های متعدد بین نمایندگان کارگران در استان های مختلف برای تعیین «بهترین» دست مزد کارشناسی شده و پیشنهاد آن از طریق شورای عالی کار خبر داد و گفت: با تمام این تفاسیر اگر یک خانوار کارگری 4 نفره در سال آینده کم تر از 500 هزار تومان دریافتی داشته باشد، معیشت آنان تامین نمی شود چون این رقم حدود 50 درصد کمتر از خط فقر 900 هزار تومانی است.

وی، با طرح این سؤال که چگونه ممکن است گوشت قرمزی که در سال گذشته کیلویی 80 هزار ریال و در سال جاری به 190 هزار ریال رسیده است، باعث کاهش نرخ تورم شده باشد؟، گفت: همه می‌دانیم که بانک مرکزی در سال گذشته و در کم تر از یک هفته نرخ تورم را کاهش داد.

همه ساله در ماه های پایانی سال، بحث اجرای ماده 41 قانون کار جمهوری اسلامی ایران و افزایش دست مزد کارگران، در محافل تصمیم گیری و قانون گذاری و کارگری مطرح می‌شود و مهم ترین بخش این مباحث، ضرورت افزایش دستمزدها مطابق با رشد تورم در کشور است. در ماده 41 قانون کار جمهوری اسلامی ایران آمده است:

«شورای عالی کار همه ساله موظف است میزان حداقل مزد کارگران را برای نقاط مختلف کشور یا صنایع مختلف با توجه به معیارهای ذیل تعیین نماید: 1- حداقل مزد کارگران با توجه به در صد تورمی که از طرف بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اعلام می‌شود. 2- حداقل مزد، بدون آن که مشخصات جسمی و روحی کارگران و ویژگی های کار محول شده را مورد توجه قرار دهد، باید به اندازه ای باشد تا زندگی یک خانواده، که تعداد متوسط آن توسط مراجع رسمی اعلام می شود را تامین نماید.» در این ماده از قانون کار، تورم در کشور، همچنین تامین زندگی کارگران و خانواده هایشان دو نقش کلیدی و اساسی را در افزایش دستمزدها بازی می‌کنند. جالب است که در صد تورم و خط فقری که از سوی مقامات رسمی و آماری کشور اعلام می شود، هر چند در سطح پایینی اعلام می‌شود اما همواره از افزایش دست مزد کارگران بیش تر است.

اگر قرار است حتا بر اساس اجرای ماده 41 قانون کار دستمزدها افزایش یابد، شورای عالی کار حکومت اسلامی ایران باید حقوق کارگران را بر اساس تورم موجود در کشور تعیین کند، باید بین 700 هزار تا یک میلیون را مورد تصویب قرار دهد. چگونه ممکن است آمار رسمی بانک مرکزی دولتی، خط فقر را معادل 700 تا 900 هزار تومان اعلام کند، ولی در تعیین حداقل دست مزد کارگران، رقمی حدود 265 هزار تومان در نظر گرفته شود؟

یک نماینده مجلس اسلامی نیز گفته است: «امیدواریم امسال دستمزدی تعیین شود که کارگران را به خط فقر برساند زیرا امروزه کارگران در آرزوی فقیر شدن هستند تا از دست مزد ۲۰۰ هزار تومانی به دست مزد ۶۰۰ هزار تومانی برسند.» سپس این نماینده می‌افزاید: «کارگران با این حقوقی که می‌گیرند شرمنده خود و خانواده هایشان هستند!»

جالب است، مملکتی که دومین کشور تولیدکننده گاز و چهارمین کشور فروشنده نفت در جهان است و کشور بزرگی که همه نعمات مادی برای زندگی بشر در آن موجود است، سهم طبقه کارگر نه تنها سهمی ناچیز، بلکه سرکوب و زندان و شکنجه و اخراج از کار و تحمیل بی‌حقوقی به همه خانواده های کارگری و فقیر است. در نزد سرمایه داران و حکومت اسلامی حامی سرمایه، کارگران همواره محکوم به استثمار وحشیانه و زندگی در عمق فقر و فلاکت هستند. چرا که هر چه دست مزد کارگر کم تر باشد و تعداد فقرا در جامعه نیز روز افزون باشد به همان نسب نیز سود بیش تری نصیب سرمایه داران می‌گردد.

تصویب حداقل دست مزد پایه کارگران از آغاز سال 1389، حتا اگر به گفته این نماینده مجلس، 600 هزار تومان هم تعیین شود باز هم بهبودی در زیست و زندگی کارگران و خانواده آن ها به وجود نخواهد آورد. چرا که از هم اکنون کالاهای اولیه مورد نیاز مردم، در حد سرسام آوری گران و هم چنان تورم و گرانی در حال گسترش است. بنابراین، حتا اگر دستمزدهای موجود چندین برابر هم افزایش یابد خانواده های کارگری از دغدغه و نگرانی روزمزه رها نخواهند شد. در حالی که سرمایه داران و حکومتیان برای خود دنیای دیگری ساخته اند: با ثروت های بادآورده هنگفت خود نمی دانند چکار بکنند، سطح زندگی بسیار بالا در ویلا و خانه بزرگ با باغ و استخر در مناطق خوش آب و هوای شهر، ماشین ها آخرین مدل، سفر و تفریح های داخلی و خارجی و خوش گذرانی و ... اما هنگامی که بحث بر تعیین حداقل دست مزد کارگران و تصمیم گیری در مورد آن است نمایندگان همین سرمایه داران و دولت آن ها، هم دست می‌شوند تا هم چنان سطح دستمزدها را پایین نگه دارند تا سود بیش تری نصیب شان گردد؛ ماهیت واقعی خودشان را به آشکارترین شکلی به نمایش می‌گذارند. بنابراین، آن ها به دلیل منافع آشکار سرمایه داری شان در پایین نگه داشتن سطح دستمزدها، به هیچ وجه صلاحیت تعیین سطح حداقل دست مزد کارگران را ندارند.

تنها مرجعی که برای تعیین دست مزد پایه و افزایش آن بر اساس نیاز خانواده های کارگری و تورم واقعی صلاحیت دارد نه نمایندگان کارفرمایان و دولت و شوراهای اسلامی کار، بلکه خود کارگران و نمایندگان منتخب مجامع عمومی آنان است که سطح دستمزدها را با در نظر گرفتن نیازهای خانواده های کارگری و براساس تورم و گرانی واقعی در بازار تعیین می کنند و با مبارزه متحد و متشکل توده کارگران، حداقل دستمزدها و دیگر مطالبات خود را به سرمایه داران و دولت آن ها تحمیل می‌کنند. در نشست های سه جانبه ای که در روزهای پایانی هر سال نمایندگان دولت، کارفرمایان و به اصطلاح کارگران برگزار می‌شود تا درباره سرنوشت دست مزد پایه کارگران یک کشور 75 میلیونی تصمیم بگیرند، نمایندگان واقعی کارگران در آن حضور ندارند. آن نماینده ای هم که به عنوان نماینده کارگران معرفی می گردد در واقع مسئولین ارگان های پلیسی خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار در درون طبقه کارگر هستند و همواره منافع حکومت را در نظر می گیرند نه توده کارگران را. بنابراین، تا روزی که این شیوه تعیین حداقل دست مزد کارگران ادامه دارد سهم کارگران و خانواده آن ها از ثروت های بی‌کران مملکت و ثروت هایی که کارگران شبانه روز تولید می کنند باز هم جز درد و رنج و غم چیز دیگری نخواهد بود.

بانک مرکزی حکومت اسلامی، خط فقر خانوار را 780 هزار تومان برآورد کرده است، مرکز آمار نیز 47 میلیون نفر را در قالب خانوار 6 نفره دارای درآمد کمتر از 780 هزار تومان اعلام کرده است.

بنا به گزارش ایلنا، نماینده فلاورجان، در گفتگو با ایلنا، با اعلام این که حداقل دست‌مزد کارگران که يك زندگي آبرومندانه را اداره کند بالای 400 هزار تومان است، درباره بحران صنایع نیز گفت: در شرایط فعلی بسیاری از کارخانجات بین يك ماه تا يك سال دست‌مزد کارگران را پرداخت نکرده‌اند گفت: تصور کنید که حقوق کارگری 263 هزار تومان یعنی يك سوم خط فقر باشد و 5 ماه هم دریافت نکند، ببینید خانواده این کارگو بخت برگشته در چه شرایطی به سر می‌برد.

موسوی لارگانی، از بحران اقتصادی در واحدهای صنعتی و تولیدی کشور خبر داد و گفت: در شرایطی که درهای اقتصاد کشور به روی کالاهای خارجی به ویژه از نوع بی کیفیت چینی باز باشد توقع دارید يك کارفرما بتواند از عهده مخارج تولید و کارگاه از جمله افزایش دست‌مزد کارگران برآید. وی، از بحران در کارخانجات ذوب آهن کشور خبر داد و گفت: اکنون بسیاری از کارخانجات ذوب آهن، انواع محصولات آهنی را در حجم بالا تولید و انبار کرده‌اند اما بازار فروشی نیست.

همچنین مطابق تازه‌ترین اعلام مرکز آمار ایران، 47 میلیون ایرانی به طور سرانه روزانه کمتر از 4 هزار و 300 تومان درآمد دارند. این رقم نتیجه تازه‌ترین اظهارات رییس مرکز آمار ایران است که گفته است: «درآمد خانواده شش نفری در خوشه يك، کم تر از 473 هزار تومان است. خانوار شش نفره‌ای که درآمدش بین 473 هزار تومان تا 788 هزار تومان است در خوشه دو قرار می‌گیرد. در خوشه نخست حدود 30 میلیون نفر قرار دارند. در خوشه دوم هم 17 میلیون و ششصد هزار نفر قرار دارند.»

بدین ترتیب، درآمد روزانه حدود 30 میلیون نفر کمتر از 2 هزار و 600 تومان است و درآمد روزانه 17 میلیون نفر دیگر روزانه کم‌تر از 4 هزار و 300 تومان است. می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که 47 میلیون و 600 هزار ایرانی روزانه کمتر از 4 هزار و 300 تومان درآمد دارند. در این میان، 17 میلیون نفر حداکثر حق هزینه کرد 2 هزار و 600 تومان را دارند.

اعلام این آمار در شرایطی است که بانک مرکزی ایران در سال 85 و در آخرین آمار اعلامی در خصوص خط فقر، خط فقر مطلق يك خانوار 4 نفره شهری را در ماه حدود 300 هزار تومان اعلام کرده بود. اگر تازه‌ترین خط فقر برآورد شده از سوی کارشناسان مستقل مبنی بر 780 هزار تومان برای خانوارهای 5 نفره در سال 87 را کنار بگذاریم (که از سوی بانک مرکزی تایید ضمنی شده است) باز هم اعلام مرکز آمار اعتراف تکان دهنده‌ای است به رشد جمعیت فقرا در جامعه ایران. چرا که خانوار 6 نفره با درآمد ماهیانه 788 هزار تومان به معنای درآمد ماهیانه 130 هزار تومان برای هر فرد است. این درآمد برای خانوار 4 نفره معادل 520 هزار تومان در ماه خواهد شد. در حالی که اگر نرخ تورم 18/4 درصدی سال 86 و نرخ تورم 4.54 درصدی سال 87 را در محاسبات افزایش هزینه خانوارهای فقیر وارد کنیم، بدون تردید خط فقر مطلق خانوار 4 نفره و 6 نفره خیلی بالاتر است. از سوی دیگر، بانک مرکزی برای سال 1386، جمعیت فقرا در ایران را 14 میلیون نفر اعلام کرده بود، بی شک این رقم در سال 1388، افزایش بیش‌تری پیدا کرده است.

بنابر تعریف، خط فقر مطلق عدم تامین حداقل نیازهای تغذیه‌ای، بهداشتی، آموزشی، مسکن و حمل و نقل یک خانواده است که حداقل غذای مورد نیاز یک خانوار ایرانی دو هزار کالری در روز است و این رقم مبنای محاسبه خط فقر در نظر گرفته شده است. بر اساس این تعریف، خط فقر به راحتی قابل محاسبه است. در این میان نکته مهم آن است که پرداختن به خط فقر خود به خود دارای ارزش چندانی نیست، بلکه دولت‌ها برای سیاست‌گذاری، تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی‌های موثر برای کاهش فقر و روشن شدن فضای کلی جامعه از نظر فقیر و غنی و این که کارشناسان بتوانند به درستی وضعیت نابرابری در جامعه را تحلیل کنند، خط فقر را طبق میزان درآمد شهروندان تعیین و اعلام می‌کنند. مهم آن است که تعیین خط فقر بتواند دولت‌ها را وادار به فقرزدایی کند.

پاسدار صادق محصولی، وزیر رفاه و امور اجتماعی دولت احمدی‌نژاد، این پاسدار میلیارد دلاری و یکی از سردهسته‌های چپاولگران و غارتگران اموال عمومی مردم ایران و ارادل و اوباش حکومتی، آمار و ارقام اعلام شده در مورد خط فقر را رد کرده و می‌گوید در این مورد هنوز کار کارشناسی نشده است، یعنی دولت در این مورد خود را بی وظیفه می‌داند؟! در حال حاضر جواب این گستاخی و بی‌تفاوتی مقامات حکومتی در مقابل جامعه را کارگران با اعتصاب خود در کارخانه ها، دانش‌جویان در دانشگاه‌ها و مردم و در پیشاپیش همه بی‌کاران و نیروی جوان با راه‌پیمایی و تظاهرات خود در خیابان‌ها نشان می‌دهند. دیر نیست دوره‌ای که این اعتراضات و اعتصابات هم‌زمان سازمان‌دهی شوند و سران حکومت اسلامی را هم‌چون دوران شاه به التماس و ناله و زاری ببینانند. هر چند همین امروز نیز در هر گوشه‌ای از جامعه ایران اعتراضی بر علیه حکومت رخ می‌دهد جدا از اعتراض سراسری نبوده و هیچ دیوار چینی آن‌ها را از هم جدا نمی‌کند.

دارایی‌های رسمی سردار محصولی عبارتند از: یک منزل 20 میلیارد تومانی در بهترین نقطه شمال تهران، 200 میلیارد تومان پول نقد در بانک‌های داخل و خارج و یک کارخانه به ارزش 300 میلیارد تومان! سؤال این‌جاست که چگونه فردی با این ثروت می‌تواند فقر را درک کند و برای فقرزدایی نیز چاره‌جویی کند!؟

اکنون همه پیش‌بینی‌ها، حنا ارگان‌های امنیتی حکومتی، حاکی از گسترش اعتراضات و اعتصابات کارگری است. برای نمونه، عده کثیری از کارگران کارخانه لوله‌سازی اهواز، بار دیگر هنگام ورود احمدی نژاد به این شهر، تجمع اعتراضی برپا کردند. کارگران لوله‌سازی اهواز در طول مسیر حرکت احمدی نژاد، در تاریخ 1388/10/24 با حمل پلاکاردهایی اعتراض خود را نسبت به عدم پرداخت 13 ماه دست‌مزد معوقه آنان اعلام نمودند. کارگران معترض در متن نوشته شده بر پلاکاردها «خواستار پرداخت تمامی دست‌مزدهای معوقه» خود شدند.

قبل این نیز هم‌زمان با ورود محمود احمدی نژاد به ورزشگاه حافظیه شیراز، بیش از 500 کارگر معترض شرکت مخ ابرات راه دور ایران، با ورود به این ورزشگاه و حمل پلاکارد، به سردادن شعارهایی در اعتراض به عدم پرداخت حقوق خود پرداختند. اعتراض این کارگران، محمود احمدی نژاد را وادار کرد در پایان سخن رانی خود که در میان شمار کمی از استقبال کنندگان سازمان‌دهی شده انجام شد، در پاسخ به کارگران معترض شیرازی بگوید: «در صورتی که وزرای صنایع و ارتباطات مشکلات شما را حل نکنند، آن دو را تحویل شما می‌دهیم و هر کاری خواستید با آن‌ها بکنید!»

«پارلمان نیوز» پایگاه خبری فراکسیون خط امام در مجلس، سه شنبه ۱ دی ۱۳۸۸، از تجمع اعتراضی بیش از 500 تن از کارگران شرکت مخابرات راه دور در ورزشگاه حافظیه شیراز، محل سخنرانی احمدی نژاد، خبر داد.

اکنون به جرات می‌توان گفت وضعیت دردناکی که بر زیست و زندگی کارگران کارخانه لوله سازی اهواز، کارگران شرکت مخابرات راه دور ایران و خانواده آنان سایه انداخته، شامل حال کارگران بسیاری از کارخانه‌های سراسر کشور است. تاکنون علاوه بر این که هزاران تن از کارگران صنایع مختلف بی کار و اخراج شده اند، شمار زیادی از فعالان کارگری نیز در شهرهای مختلف بازداشت و با احکام حبس و شلاق روبرو شده اند. بسیاری از مراکز تولید و صنعتی در کشور هم تعطیل شده، کارگران آن‌ها سرگردان مانده و مسئولین و مقامات دولتی و ارگان‌های ذیربط آن‌ها جوابگوی نیازها و خواست‌های برحق آن‌ها نیست.

بر اساس آخرین گزارش مرکز آمار ایران جمعیت فعال کشور، ۲۲ میلیون و ۶۰۰ هزار نفر برآورد شده است و نرخ بی‌کاری در کشور حدود ۱۸ درصد است. این در حالی است که آمارهای غیررسمی رقم بی‌کاران کشور را خیلی بیش‌تر از آمارهای رسمی تخمین می‌زنند.

شایان ذکر است که بر پایه شاخص جدید نه فقط یک ساعت کار در هفته، یعنی در زمان آمارگیری، معادل اشتغال فرض شده، حتا سربازان و وظیفه نیز به عنوان صاحبان شغل تلقی می‌شوند. کارشناسان بر این باورند که دست کم با همین دو نمونه، دولت محمود احمدی‌نژاد توانسته، البته بر روی کاغذ، بیش از ۶ میلیون نفر از شمار بی‌کاران کشور را کم‌تر نشان دهد. یعنی اگر این ۶ میلیون را به همان آمار اعلام شده ۴ میلیونی بی‌کاران توسط دولت اضافه کنیم رقم بی‌کاران بالغ بر ۱۰ میلیون نفر می‌رسد.

با این حال، مدیرکل بیمه بی‌کاری وزارت کار و امور اجتماعی گفته است که تنها در سال جاری به میزان ۱۵ درصد بر شمار مستمری بگیران بی‌کاری افزوده شده و این در حالی است که بخش اعظم کارگران دارای قرارداد موقت - یعنی ۸۰ درصد نیروی کار ایران - محروم از حق بیمه بی‌کاری هستند. در واقع، ۴۰ درصد فقرای شهری و بیش از ۹۰ درصد جمعیت را در مناطق روستایی شاغلان تشکیل می‌دهند.

شهرداری منطقه یک خرم‌آباد، اخیراً اعلام کرده است که در پی استخدام ۱۲۰ رفتگر مورد نیاز خود متوجه شد که ۱۱۳ تن از آنان دارای تحصیلات دانشگاهی بوده‌اند.

ارقام موجود نشان می‌دهند که واقعه شهرداری منطقه یک خرم‌آباد، نه رویدادی استثنایی، که در نوع خود آئینه بحران بی‌کاری فراگیری است که بیش از همه علاوه بر جامعه جوان، یعنی بخش تحصیل کرده مین جمعیت را تحت تاثیر قرار می‌دهد و در عین حال از بی‌برنامگی و بی‌تناسبی مفرط میان بازار کار و آموزش عالی کشور پرده برمی‌دارد.

آمار موجود در زمینه پذیرش دانش‌جو از رشد بی‌سابقه شمار دانش‌جویان در سطوح مختلف تحصیلی حکایت دارد: از سال ۸۲ تا سال ۸۷ شمار دانش‌جویان مقطع کارشناسی بیش از ۲/۵ برابر رشد داشته و برای جلوگیری از ورود آنان به بازار بی‌رقم کار، ظرفیت تحصیلات تکمیلی دانشگاه‌ها نیز به طرز چشم‌گیری گسترش یافته است؛ به طوری که شمار دانش‌جویان کارشناسی ارشد در همین فاصله بیش از دو برابر افزایش یافته است. طبق آمارهای رسمی، تنها در پنج سال گذشته شمار دانشگاهیان بی‌کار معادل ۶۶ درصد بیش‌تر شده است.

در حال حاضر ۸۷ درصد بی‌کاران ایران را جوانان تشکیل می‌دهند. به بیان دیگر، سه چهارم جوانانی که بین شانزده تا سی سال سن دارند فاقد کار هستند. در این میان، به اعتراف وزیر علوم و آموزش عالی جمهوری اسلامی، سالانه تنها بین ۱ تا ۱/۵ میلیون فارغ‌التحصیل به شمار متقاضیان کار اضافه می‌شود و بر پایه آمار رسمی ۴۵ درصد کل بی‌کاران ایران را دانش‌آموختگان این کشور تشکیل می‌دهند.

با این همه، پی‌آمدهای بی‌کاری به خود بی‌کاران محدود نشده، بلکه ۴۰ درصد جمعیت کل کشور یعنی بیش از ۲۸ میلیون نفر را تحت‌الشعاع قرار داده و به زیر خط فقر مطلق و نسبی فرونشاندن است.

بر اساس پیش‌بینی‌ها جمعیت جوان ایران تا سال ۱۴۰۰ بالغ بر ۶۱ میلیون نفر خواهد شد و در صورتی که مسئولین حکومتی، تنها بخواهند نرخ بی‌کاری کنونی را که بین ۱۸ تا ۲۰ درصد جمعیت فعال برآورد می‌شود حفظ کنند، ناگزیرند ۲۹ میلیون فرصت‌شغلی در یازده سال آینده به وجود آورند. با این حال، آمار رسمی نشان می‌دهد که اقتصاد دولتی ایران در پنج سال گذشته با صرف صد‌ها میلیارد دلار درآمدهای نفتی نه تنها متناسب با نیاز جامعه شغل ایجاد نکرده، بلکه دست کم ۳۰۰ هزار فرصت‌شغلی موجود را نیز از بین برده است.

با این حال، اگر تنها حدود ۲/۸ درصد بی‌سوادان کشور بی‌کار به شمار می‌روند، متوسط بی‌کاری تحصیل‌کردگان ۴/۱۵ درصد است و حدود ۷۶ درصد شاغلان دارای مدارک دانشگاهی هیچ تناسبی میان شغل و رشته تحصیلی خود مشاهده نمی‌کنند. به عبارت دیگر، نرخ بی‌کاری فارغ‌التحصیلان دو برابر نرخ بی‌کاری افراد زیر دیپلم یا بی‌سواد است و ۷۹ درصد بی‌کاران کل کشور هرگز موفق به پیدا کردن کار نشده‌اند.

فقدان فرصت‌شغلی برای تحصیل‌کردگان از جمله عوامل تعیین‌کننده فرار مغزهاست که سالانه شامل ۱۰۰ تا ۲۲۵ هزار نفر از متخصصان و تحصیل‌کرده‌های ایران می‌شود.

بحران بی‌کاری به ویژه بی‌کاری فارغ‌التحصیلان و جوانان که اکثریت جامعه را تشکیل می‌دهند را به یک نیروی دائماً معترض بدل کرده که مناسبات قدرت را متزلزل می‌سازند. باین ترتیب، می‌توان گفت که پیشگام اصلی تظاهرات و راه‌پیمایی‌های خیابانی، همین نیروی بی‌کار و جوان کشور هستند که هیچ‌امیدی به پیدا کردن کار مناسب و تشکیل زندگی مستقل در حاکمیت حکومت اسلامی ندارند از این‌رو، به طور پیگیر برای برچیده شدن بساط این حکومت جانی مبارزه می‌کنند.

نمایندگان مجلس شورای اسلامی نیز اقرار کرده اند که ۸۰ درصد مراجعات مردم به آن‌ها مربوط به تقاضای شغل است. در همین مورد، محمدرضا ملک‌شاهی، نماینده خرم‌آباد در مجلس اسلامی، تصریح کرده است که «بخش غالب همین مراجعه‌کنندگان بی‌ش از همه از وجود فساد و تبعیض و به اصطلاح «پارتی‌بازی» و اعمال نفوذ در امور استخدامی شکایت می‌کنند.»

این نماینده مجلس، می‌افزاید: «شکایت مردم گویای حقیقت است، زیرا شرکت‌های شبه دولتی یا خصوصی که طرف قرارداد با دولت هستند اقوام خود را به کار می‌گمارند.»

سازمان شفافیت بین الملل نیز در آخرین گزارش خود اعلام کرده است که ایران با ۲۷ پله سقوط در سال جاری در زمینه فساد و عدم شفافیت به رتبه ۱۶۸ در میان ۱۸۰ کشور جهان نزول کرده است. در این رده بندی، ایران با آخرین کشور این فهرست، یعنی سومالی، تنها ۱۵ پله فاصله دارد.

بر اساس آماری که از سوی صندوق بین المللی پول منتشر شده، ایران از سال ۲۰۰۷ تا ۲۰۰۸ بین ۱۸۷ کشور از جایگاه ۱۳۱ با چهار درجه تنزل به جایگاه ۱۳۵ رسیده است. بنابراین، فضا برای کسب و کار در ایران، نه تنها بهبود نیافته، بلکه رشد سرمایه گذاری و رشد اقتصادی هم اتفاق نیفتاده است. پس هیچ یک از برنامه های اقتصادی دولت، هیچ نفعی برای کارگران و محرومان جامعه در برداشته است.

خبرگزاری حکومتی فارس، سه شنبه ۵ آبان ۱۳۸۸، نوشت: موسسه مطالعاتی لگاتوم با معرفی شاخص جدیدی به نام شاخص رونق، رتبه ایران در میان ۱۰۴ کشور در این شاخص را ۹۴ اعلام کرده است.

موسسه مطالعاتی لگاتوم، شاخص جدیدی را با نام «شاخص رونق» برای مقایسه کشورهای جهان ارائه کرده است. این شاخص دربرگیرنده مفهوم کلی رونق به معنای برخورداری از ثروت مادی و کیفیت زندگی است. شاخص مذکور در واقع حاصل ترکیب میزان رونق اقتصادی و کامیابی اجتماعی در هر کشور است و بر پایه ۹ فاکتور تهیه است که عبارتند از: رشد و بنیان های اقتصاد کلان، کارآفرینی و ابتکار، نهادهای دموکراتیک، آموزش، بهداشت، امنیت و ایمنی، نحوه اداره حکومت، آزادی فردی، و سرمایه اجتماعی.

در گزارش سال ۲۰۰۹، ۱۰۴ کشور از نظر شاخص رونق مورد بررسی قرار گرفته اند که فنلاند در راس این رده بندی و زیمبابوه در انتها قرار گرفته اند.

ایران نیز در این رده بندی جایگاه ۹۴ را به خود اختصاص داده است. رتبه ایران در ۹ فاکتوری که مبنای تهیه این شاخص بوده است نیز عبارت است از: رشد و بنیان های اقتصاد کلان ۷۹، کارآفرینی و ابتکار ۶۹، نهادهای دموکراتیک ۹۳، آموزش ۵۹، بهداشت ۷۰، امنیت و ایمنی ۸۸، نحوه اداره حکومت ۱۰۲، آزادی فردی ۱۰۱، و سرمایه اجتماعی ۸۲.

کشورهای فنلاند، سوئیس، سوئد، دانمارک، نروژ، استرالیا، کانادا، هلند، آمریکا و نیوزیلند به ترتیب ده کشور نخست دنیا از نظر شاخص رونق هستند.

کشورهای زیمبابوه، سودان، یمن، آفریقای مرکزی، کامرون، پاکستان، نیجریه، تانزانیا، الجزایر و کنیا نیز ده کشور آخر این فهرست اعلام شده اند.

در دورانی که قیمت نفت به طور بی سابقه ای بالا رفت و میلیاردها دلار بیش از پیش بیفی های دولت به صندوق اش واریز شد هیچ تغییری جدی در سرمایه گذاری، رشد صنایع و گسترش اشتغال و همچنین کاهش تورم و گرانی به بار نیارود. حال قیمت نفت نسبت به سال های قبل پایین آمده و بحران سرمایه داری نیز جهانی شده است و ایران نیز از این بحران منتنی نمی باشد اکثریت مردم کشور نیز به لحاظ اقتصادی در شرایط بسیار سخت تری نسبت به گذشته قرار دارند.

از سوی دیگر، به دلیل این که فضای مناسبی نیز برای سرمایه گذاری در اقتصاد ایران وجود ندارد سرمایه گذار سرمایه خود را از ایران به کشور امن تری انتقال می دهد. در فضایی که احوال را بحران سیاسی فر گرفته، فرار سرمایه ها به خارج کشور نیز سرعت بیش تری گرفته است. بنابراین، دولت آوار این بحران های خود را بر سر مزدگیران و خانواده های آنان فرو می ریزد.

در شرایط کنونی جامعه ایران، راه سهل تر و مطمئن تر برای سرمایه داران، نه سرمایه گذاری در بخش صنایع، بلکه سرمایه گذاری بر بازار مصرفی ۷۵ میلیونی کشور است. یعنی برای سرمایه دار و شرکت های واردکننده کالاهای خارجی به ایران، با صرفه تر است که کالا وارد کنند. چرا که هم به سرعت پول خود را وصول می کنند و هم سود بیش تری به جیب می زنند و با اعتنا و احتساب کارگری هم روبرو نمی شوند. واردات و صادرات ایران، عمدتاً در دست نیروهای مافیایی دولت و به ویژه شرکت ها و موسسات وابسته به سپاه پاسداران است. بنابراین، در این جا هم دولت و هم سپاه از یک سو با وارد کردن انبوهی از کالاهای مورد نیاز جامعه، صنایع داخلی را به ورشکستگی کشیده اند و هم از این طریق کسب سود بیش تر در تلاشند فقط بنیه ماشین دولتی و نظامی قوی تر کنند و از وظایف خود در قبال جامعه سر باز زده اند. چرا که سران حکومت اسلامی، اعتمادی به آینده و بقای حاکمیت خود ندارند اهمیتی به سرمایه گذاری های در زامدت و آینده کشور نمی دهند.

از سوی دیگر، بر اساس آمارها و تحلیل کارشناسان اقتصادی، هنگامی که در بازار ایران بالای ۲۰۰ هزار میلیارد تومان نقدینگی وجود دارد، اصولاً کمابیش به همین اندازه نیز تقاضای کل وجود دارد. رشد میزان نقدینگی در برخی از این سال ها تا ۴۰ درصد هم رسیده است در حالی که در بهترین وضعیت رشد تولید کشور، در حد پنج درصد باقی مانده است. دولت برای این که بتواند فاصله عرضه کل (تولید) و تقاضای کل (نقدینگی) را جبران کند، به واردات روی آورده است. این نقدینگی در دست عده معدودی سرمایه دار و افراد خاصی است و توزیع شده در دست آحاد مردم نیست. آن عده خاص یا وابسته به دولت و نظامیان و نزدیکان آن ها هستند و یا نیمه دولتی و غیردولتی اند محاسبه می کنند و تصمیم می گیرند که این نقدینگی را به کجا ببرند که سود بیش تری داشته باشد.

در خصوص واگذاری های اصل ۴۴، عملاً آنچه که بیش از همه به چشم می خورد و قابل پرده پوشی نیست تحت عنوان واگذاری به بخش خصوصی، صنایع مادر و کلان کشور در واقع توسط بنگاه های بزرگ دولتی، به بنگاه های نیمه دولتی و شبه دولتی و نظامی با قیمت بسیار پایینی واگذار می شود.

این وضعیت هم هر چه بیش تر به نابودی صنایع داخلی و بی کاری کارگران آن منجر شده است. یعنی در واقع سرمایه داران و دولت آن ها سود خود را می برند در حالی که کارگر و خانواده اش در معرض بحران های اجتماعی و استثمار شدید و فقر و گرسنگی فزاینده ای قرار دارند.

در چنین شرایطی، طبیعی است که اعتصابات کارگری از رشد چشم گیری برخوردار باشد. در گزارش منتشره به نقل از کمیته امنیت حکومت اسلامی، از گسترش اعتصابات کارگری که این روزها در کارخانه ها، شرکت های دولتی و یا نیمه دولتی برگزار می گردد، ابراز نگرانی شدید نموده است.

در گزارش مذکور آمده است تهران و شهره ای دیگر ایران به دلیل سیاست های اقتصادی دولت شاهد بحران کارگری است. بر اثر این سیاست ها، بسیاری از کارخانه ها ورشکسته شده و تعداد زیادی از کارگران اخراج شده اند. این گزارش تاکید می کند که گسترده ترین اعتصابات های کارگری در شهرهایی از قبیل اهواز، شیراز، بندر عباس و آبادان برگزار می شود. در حال حاضر اعتصابات کارگری و گسترش آن به سایر نقاط کشور موجب نگرانی شدید مقامات حکومت اسلامی گردیده است.

شورای تامین استان تهران و رییس سازمان صنایع و معادن این استان نیز در جلسه ای مشترک، بحران های کارگری پیش رو و وضعیت کارخانه های بحران زده پایتخت را مورد بررسی قرار داده اند. بحث بحران های کارگری، به ویژه پس از سیاست های اقتصادی دولت محمود احمدی نژاد در ایران، بیش تر مطرح شده که ورشکستگی کارخانه های بیش تری را به دنبال داشته و پرداخت دست مزد ناچیز کارگران نیز با تاخیر طولانی چندین ماهه مواجه است. این وضعیت که اعتراض کارگران را به همراه داشته، اغلب به شکل اعتصاب و یا تجمع در داخل کارخانه ها و یا در مقابل ساختمان های دولتی بروز یافته است. در این ارتباط، می توان به اعتراض های اخیر کارگران شاغل در ایستگاه در دست احداث متروی پل صدر، رانندگان کامیون های حمل و نقل کارخانه ذوب آهن اصفهان، لاستیک البرز تهران، کارخانه فرخ و مه نخ قزوین، شهرک صنعتی فولاد و مجتمع فولاد آلیاژی ملایر و کندلوس تنکابن و... اشاره کرد. همچنین گزارش هایی نیز در مورد اعتصاب و اعتراض کارگران کارخانه لوله سازی اهواز، صنایع مخابراتی راه دور شیراز، فاز سه پالایشگاه بزرگ آبادان و طرح توسعه پالایشگاه قدیمی بندر عباس انتشار یافته است.

بر اساس گزارش پایگاه اینترنتی «هممیهن»، بزرگ ترین پروژه دولتی ایران، مطالبات ده پیمانکار خود را نپرداخته و این پیمانکاران بین سه تا ۵ ماه است که نتوانسته اند حقوق کارکنان خود را بپردازند. به گزارش هممیهن، مهندسان مشاور پروژه، پس از مدت ها تلاش برای دریافت حقوق عقب افتاده خود تهدید به رها کردن کار کرده اند. شرکت های «تهران جنوب» و «بینا» دو پیمانکار اصلی پالایشگاه ستاره خلیج فارس نیز بهش از سه ماه است که حقوق و دست مزد مهندسان و کارکنان خود را پرداخت نکرده اند. در ایران، از پالایشگاه ستاره خلیج به عنوان بزرگ ترین پالایشگاه خاورمیانه نام برده می شود. هممیهن می نویسد: «در واقع به پشتوانه همین پالایشگاه بود که محمود احمدی نژاد بارها مدعی شد به زودی کشور در برابر تحریم احتمالی بنزین مصونیت خواهد یافت.»

بر پایه گزارش هممیهن، به دلیل شرایط ویژه ایران، دولت از سرمایه گذاری در زیرساخت های کلان اقتصادی که تضمین کننده دورنمای کشور هستند منصرف شده و قصد دارد سرمایه های اندکی را که هنوز در اختیار دارد، در پروژه هایی به کار ببندد که می توانند در کوتاه مدت بازدهی داشته باشند. به گزارش خبرگزاری ایسنا، روز اول مهر ماه امسال، نشست ویژه ای در شرکت پالایش و پخش فرآورده های نفتی تشکیل شد که هدف آن تعیین اولویت های سرمایه گذاری در صنعت نفت بود. در این نشست، تصمیم گرفته شد که فعالیت ها روی بهینه سازی و توسعه ظرفیت پالایشگاه های موجود متمرکز شود تا آن ها بتوانند به جای سایر فرآورده های نفتی، حتی المقدور بنزین بیش تر تولید کنند.

خبرگزاری مهر 27 دی 1388، نوشت: حمید حاجی عبدالوهاب، معاون سرمایه انسانی و توسعه اشتغال وزارت کار و امور اجتماعی در گفتگو با مهر، در خصوص برنامه های کارگروه حمایت از تولید برای حفظ اشتغال در بنگاه های تولیدی، گفت: هم اکنون بیش از 2 هزار واحد صنعتی بزرگ و متوسط دارای مشکل نقدینگی و بحران مالی در کشور شناسایی شده است که کار گروه متناسب با وضعیت هر کارگاه، تصمیم گیری می کند. به همین دلیل، تسهیلات دارای ارقام متفاوت است؛ ولی پرداخت آن در اولویت کاری بانک ها قرار دارد.

بدین ترتیب، احمدی نژاد، در دوره نخست چهار سال ریاست جمهوری خود، با وعده های دروغین و پر زرق و برق هم چون «سهام عدالت»، «خانه مهر» و طرح های «زود بازده»، صدها میلیارد دلار از ثروت کشور را به نزدیکان و عوامل حکومتی و نظامی واگذار کرد و بر باد داد. سیدحسن هاشمی، نماینده مجلس و رییس کمیسیون صنایع و معادن می گوید، برای حل مشکلات واحدهای صنعتی و تولیدی و جلوگیری از بحران بی کاری باید معادل 10 میلیارد دلار کمک اضطراری به واحدهای تولیدی اختصاص یابد. نهبانندگان رییس اتاق بازرگانی آینده تاریکی را پیش بینی می کند و می گوید، 50 درصد از کل واحدهای تولیدی ایران ورشکست و تعطیل شده اند و 50 درصد باقی مانده با 30 درصد ظرفیت کار می کنند.

وزیر کار دولت نهم، شعار حل مشکلات کارگران قراردادی را سر می داد، اما نه تنها طی چهار سال مشکلی را حل نکرد، بلکه تغییرات زیادی در قانون کار به ضرر کارگران و به نفع سرمایه داران و کارفرمایان به وجود آورد. مواد 7، 10، 21، 24، 27، 96، 112، 131 تا 136 و 191 از جمله موادی است که در پیشنهاد وزارت کار تغییر اساسی کردند و در روزهای پایانی عمر دولت نهم، آن را به تصویب رساند.

معاون اشتغال وزارت کار، از شناسایی دو هزار بنگاه دارای مشکل بزرگ و متوسط تولیدی کشور خبر داده اند. این در حالی است که پیش از این لیست بلند بالای 6700 تایی وزارت صنایع و 750 تایی وزارت تعاون برای تقاضای استمهال بدهی به خودی خود وضعیت حاد بخش تولید در کشور را به خوبی نشان می داد. با این حساب تعداد کل شرکت های خواهان استمهال بدهی به نزدیک 10000 شرکت رسیده است.

بر اساس جدیدترین گزارش بانک مرکزی، میزان مطالبات معوق بانک ها به 48 هزار میلیارد تومان افزایش یافته است. این مبالغ هنگفت، عمدتاً در اختیار «آقازاده ها» و «مدیران رده بالای حکومتی» قرار داده شد و بالا کشیده شده است.

نجیب حسینی، عضو کمیسیون برنامه بودجه مجلس شورای اسلامی، به خبرگزاری کار ایران «ایلنا»، گفته است که نرخ تورم در سال آینده به 40 درصد خواهد رسید.

باین ترتیب، تحلیل ها و بررسی های اقتصادی و اجتماعی حاکی از آن است که عواقب مخرب طرح ها و برنامه های اقتصادی و اجتماعی دولت احمدی نژاد در پنج سال گذشته، میلیون ها خانواده ایرانی را دچار بحران و پریشانی و فروپاشی کرده است. بیش از پیش ماهیت ضدانسانی حکومت اسلامی را به نمایش می گذارد. حکومتی که با فساد اقتصادی و اداری و مافیایی خود، نه تنها ضربات پیاپی و مهلکی را به کلیه زیرساخت های اقتصادی کشور و صنایع کشور وارد کرده، بلکه اکثریت مردم ایران را نیز در فقر و ناامنی دائمی قرار داده است به طوری که بسیاری از جوانان را وادار کرده اند برای تامین چند ماه زندگی خود، حتا کلیه خود را بفروشند. اعتیاد، فحشا، خودکشی و دیگر بحران های اجتماعی نیز زبیده همین فقر و فلاکت اقتصادی است که عامل اصلی آن نیز حکومت اسلامی می-

باشد. اکنون میلیون کودک خانواده‌های کارگری و فقیر از تحصیل باز مانده اند و اجباراً به کارهای زیان آور و سختی روی آورده اند تا کمکی برای خانواده خود دست و پا کنند. اما سرمایه‌داران و مقامات و مسئولین حکومت اسلامی، وقیحانه و بی‌شرمانه به همه این بی-حقوقی‌هایی که بر جامعه تحمیل کرده اند چشم بسته و به هر جنایتی متوسل می‌شوند تا پول بیش تری به جیب بزنند و به هر بهایی حاکمیت وحشی خود را حفظ کنند.

در چنین شرایط سخت و دشواری کارگران و مردم محروم و جوانان قربانیان زبان بسته حکومت اسلامی نیستند. آنان با اعتراض و اعتصاب خود، نه تنها لרزه بر اندام سران و ارگان‌ها و جناح‌های حکومتی انداخته‌اند، بلکه امروز جهانیان نیز می‌دانند که جامعه ایران آستان حوادث مختلفی به ویژه موقعیت انقلابی است. خیزش مردم ایران، هشتمین ماه اعتلای خود را پشت سر گذاشته و در این مدت موجودیت حکومت اسلامی را به طور جدی زیر علامت سؤال قرار داده است. از سوی دیگر، در ماه‌های اخیر اعتراضات و اعتصابات کارگری نیز گسترش یافته است، به عنوان نمونه:

- حدود 200 نفر از کارگران زن و مرد کارخانه چینی البرز، در اعتراض به عدم پرداخت هشت ماه از دست‌مزدهایشان روز یکشنبه 3 آبان 1388، حدود ساعت 11 و نیم صبح از کارخانه تا فرمانداری شهر صنعتی البرز دست به راه پیمایی زدند و ساعت 12 ظهر در مقابل فرمانداری به مدت یک ساعت تجمع کردند. کارگران در حالی که در حین راه پیمایی توسط نیروهای انتظامی در محاصره بودند شعارهایی چون «حمایت دولت از کارگر دروغه، دروغه»، «کارگر حمایت، حمایت»، «مدیر بی‌لیاقت استعفا، استعفا» و...، سر می‌دادند خواهان پرداخت فوری دست‌مزدهای معوقه خود بودند. کارگران سپس به راه پیمایی در سطح شهر ادامه دادند و با وجود اخطارهای نیروهای انتظامی و لباس شخصی م بنی بر سر ندادن شعار، هم‌چنان به شعار دادن ادامه دادند. به گفته خود کارگران بقیه همکاران‌شان مقابل درب کارخانه در حال تجمع بوده‌اند.

- جمع کثیری از کارگران شرکت کارخانجات مخابراتی راه دور شیراز روز دوشنبه 4 آبان 1388، در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالبات‌شان در مقابل استانداری فارس اقدام به گردهمایی اعتراضی دست زدند. این کارگران با فریاد شعار «بخش خصوصی شدیم بی‌کار و بی‌پول شدیم» و «زندگی و معیشت حق مسلم ماست»، به روند واگذاری این شرکت به بخش خصوصی، عدم پرداخت دست‌مزدهای 9 ماهه معوقه و وضعیت نامناسب شغلی خود اعتراض نمودند.

- به گزارش کمیته هماهنگی، دوشنبه 4 آبان ماه 1388، کارگران شرکت «ارزه گستر» ارومیه، در واکنش به عدم پرداخت دست-مزدها و مطالبات معوقه 4 ماهه خود دست به اعتراض زدند. طبق این گزارش، بیش از 100 نفر از کارگران شرکت «ارزه گستر» که پروژه ساخت راه‌آهن قطعه 4 مراغه - مهاباد را در دست دارد ضمن دست کشیدن از کار، اقدام به برپایی تجمع اعتراضی نمودند.

- صبح سه‌شنبه 5 آبان 1388، ماموران نیروی انتظامی به تجمع هر روزه کارگران لوله‌سازی اهواز، سبب شد که تجمع آرام کارگران این کارخانه، به صحنه برخورد ماموران با آنها تبدیل شود؛ در مقابل چشم مردم عادی، عده ای از کارگران را مورد ضرب و شتم قرار دادند، بازداشت کردند و مابقی خود را به کارخانه رساندند. چهارراه نادری شهر اهواز در یک هفته گذشته به محل تجمع هر روز کارگران لوله سازی اهواز تبدیل شده بود، کارگرانی که در اعتراض به پرداخت نشدن 13 ماه مطالبات معوقه هر صبح به جای آن که به کارخانه بروند به این چهارراه که دفتر سهام دار عمده در آنجاست می‌آمدند و پس از این که می‌گفتند: «یک سال حقوق کارگر، پرداخت باید گردد به کارخانه باز می‌گشتند.» در این یورش وحشیانه نیروهای سرکوبگر حکومتی به کارگران، علاوه بر تعدادی از کارگران که زخمی شدند، دست کم 50 کارگر را نیز بازداشت کردند.

لوله‌سازی اهواز 600 کارگر قراردادی و رسمی دارد که در آن از نوب کردن فلزات ضایعاتی، اوراق شده و اسقاطی لوله های چدنی ساخته می‌شود، این کارخانه 7 سال پیش خصوصی‌سازی شد و به تدریج از آن به عنوان یکی از واحدهای بحران‌زده کارگری در اخبار نام برده می‌شود.

- بیش از سیصد نفر از کارگران کارخانه نساجی مازندران روز 14 دی در اقدامی اعتراضی مبنی بر عدم دریافت حقوق سه ماه کار خود، دست از کار کشیدند.

- صبح روز 16 دی ماه، حدود 500 یا 600 تن از کارگران مشغول به کار در ایستگاه در دست احداث متروی پل صدر، به علت عدم دریافت دست‌مزد در شش ماه گذشته تجمع کرده و دست از کار کشیدند.

- کارگران کارخانه تولید فرآورده‌های لبنی کنلوس در تنکابن، در اعتراض به روند اخراج کارگران این کارخانه، دست به تجمع زدند.

- بنا به گزارش ایلنا، روز یکشنبه 27 دی ماه، صدها تن از کارگران کارخانه نوشابه سازی ساسان در اعتراض به تداوم اخراج سازی‌ها در مقابل درب اصلی این کارخانه تجمع اعتراضی برپا کردند. بیش از 400 کارگر، دلیل اصلی تجمع اعتراضی خود را مخالفت شدید با ادامه موج اخراج سازی در این کارخانه اعلام نمودند. آنان اعلام کردند در صورت عدم رسیدگی به خواست و مشکلات‌شان توسط مقامات حکومتی و کارفرمایان این کارخانه، در مقابل دفتر احمدی‌نژاد در تهران تجمع اعتراضی برپا خواهند کرد. کارخانه نوشابه‌سازی ساسان، یک هزار و 200 کارگر دارد که به صورت قراردادهای موقت 10 روزه مشغول به کار می‌شوند. از ابتدای سال جاری تاکنون 300 کارگر این کارخانه اخراج شده‌اند.

- 180 نفر از کارگران نساجی بافته ها از ساعت 2/30 تا 4 بعد از ظهر امروز يكشنبه 1388/11/4 اقدام به بستن جاده کردند. کارگران نساجی بافته‌های کرمان علت تجمع و بستن جاده را انحلال شرکت توسط سهامداران اعلام کردند. یکی از کارگران به خبرنگار ایلنا، گفت: چندی پیش عده‌ای از مدیران در هیات تشخیص تصمیم به انحلال شرکت و انتقال دستگاه‌ها به شهرستان قزوین گرفتند که در اعتراض به این امر ما ظهر امروز اقدام به بستن جاده کردیم. وی گفت: مدیران در پایان 30 دی تصمیم به اخراج 18 نفر دیگر از نیروها گرفتند. طبق گفته خود مسئولان قرار است 35 نفر دیگر در پایان بهمن ماه و بقیه در آخر سال تسویه حساب شوند. وی گفت: مسئولان بنا دارند 14 هزار هکتار زمین کارخانه را به صورت آزاد در معرض فروش بگذارند. او گفت: قبلاً 550 نفر در شرکت مشغول به کار بودند که مسئولین به عناوین مختلف اقدام به اخراج کارگران کرده و در حال حاضر این تعداد 180 نفر هستند.

- ایلنا، در تاریخ 1388/11/11، نوشت به دنبال تجمع دوباره جمعی از کارگران کیان تایر که پیش از ظهر امروز در محل این کارخانه برگزار شد، مسئولان اسلامشهر به منظور متقاعد کردن کارگران به این کارخانه رفتند و با تجمع کنندگان گفتگو کردند. کارگران کیان تایر در گفتگو با خبرنگار ایلنا، اعلام کردند که به دلیل محقق نشدن و عده‌های داده شده صبح امروز برای مدتی در محوطه کارخانه تجمع کرده و آتش روشن کردند...
بابک زنده جاهد مدیر روابط عمومی کارخانه کیان تایر در رابطه با تجمع امروز به ایلنا گفت: دلیل این تجمع تاخیر در پرداخت مطالبات گذشته کارگران بوده است. در هفته‌های گذشته نیز کارگران لاستیک ابرز در اعتراض به پرداخت نشدن مطالبات خود علاوه بر برگزاری تجمعی مشابه به وزارت صنایع و معادن نیز مراجعه کرده بودند.

- کارگران لاستیک البرز، با اعتراضات پیگیر خود موفق شدند 9 همکار اخراجی خود را به سر کار برگردانند. از 22 روز قبل که 9 تن از نمایندگان کارگران لاستیک البرز (کیان تایر) اخراج شدند کارگران این کارخانه به اعتراضات خود ادامه دادند. کارگران از اواسط هفته گذشته در اعتراض به اخراج نمایندگان خود و عدم پرداخت 2 ماه دست‌مزد سال جاری و عدم پرداخت 5 ماه از دست‌مزدهای معوقه سال گذشته، عدم تم دید دفترچه‌های درمانی و عدم توجه کارفرمای کارخانه به مشکلات آنان اقدام به برگزاری اعتصاب نمودند. سرانجام روز سه‌شنبه 10 بهمن ماه، کارفرمای کارخانه لاستیک البرز تحت فشار اعتصاب و اعتراض کارگران مجبور به موافقت با بازگشت به کار نمایندگان اخراجی آنان گردید.

- چهارشنبه 14 بهمن ماه 1388 - 3 فوریه 2010، کارگران و کارمندان شهرداری سعدآباد در اعتراض به عدم پرداخت دست‌مزدهای معوقه خود دست به اعتصاب زدند. اعتصاب کارکنان شهرداری سعدآباد در اعتراض به عدم پرداخت 5 ماه دست‌مزدهای معوقه صورت گرفته است.

- کارگران کارخانه «نورد لوله صفا» واقع در کیلومتر 9 اتوبان تهران - ساوه در اعتراض به عدم پرداخت دست‌مزدهای معوقه خود اعتصاب کردند. یک هزار و 300 نفر از کارگران این کارخانه، به دنبال عدم دریافت 2 ماه و نیم دست‌مزد معوقه خود و عدم رسیدگی به مطالبات‌شان روزهای دوشنبه 12 و سه‌شنبه 13 بهمن ماه اعتصاب گسترده‌ای برپا کردند. کارگران اعتصابی اعلام کردند چنانچه کارفرمای کارخانه اقدام به تسویه حساب و پرداخت دست‌مزدهای معوقه آنان نکند اعتصاب نامحدودی را بر پا خواهند داشت. سرانجام روز چهارشنبه 14 بهمن ماه، کارفرما ناچار در مقابل خواست کارگران عقب‌نشینی کرد و دست‌مزد آذر ماه آنان را پرداخت نمود.

- روزهای چهارشنبه و پنج‌شنبه 15 و 16 بهمن، کارگران کارخانه آونگان اراک، به دلیل عدم دریافت 6 تا 8 ماه دست‌مزد در مقابل فرمانداری این شهر تجمع کردند و هنگامی که مذاکرات شان در مقابل فرمانداری به نتیجه‌ای نرسید دست به راه پیمایی در خیابان‌های مرکزی شهر زدند. نیروهای سرکوب حکومت به کارگران حمله کردند و تعدادی را زخمی و ده‌ها نفر را دستگیر کردند.
کارگران این کارخانه در هفته‌های گذشته بارها دست به اعتراض زده بودند که با هجوم نیروهای سرکوبگر حکومت اسلامی مواجه شده‌اند. روز چهارشنبه، کارگران ضمن راه‌پیمایی در خیابان‌های شهر، شعارهایی علیه حکومت دادند از جمله «مرگ بر دیکتاتور»، «ننگ بر صدا و سیما» که به طرز وحشیانه‌ای مورد ضرب و شتم قرار گرفتند. اما کارگران روز بعد نیز دست به تجمع و راه پیمایی زدند و باز هم مورد یورش قرار گرفتند. یکی از کارگران به یکی از رسانه‌ها گفته است: «هشت ماه است گرسنه‌ایم، دیگر نمی‌توانیم با دست خالی به خانه برویم. فریاد ما را به گوش جهانیان برسانید، بگذارید دنیا بداند ما در این حکومت اسلامی چه می‌کشیم.» کارگر دیگری گفته است: «ای مرگ بر این دولت! ای مرگ بر این حکومت! سؤال این‌جاست در حکومتی که خصوصی شدن راهی برای بخشش اموال عمومی به سپاه و بسیج است و چیزی جز بر باد دادن بیت‌المال نیست، اجرایی شدن این قانون که سبب بی‌کاری هزاران کارگر و گرسنگی آن‌ها شده است چه لزومی دارد؟ آیا این غارت اموال مردم نیست؟» گفته می‌شود که از هزار کارگر این کارخانه، تاکنون نزدیک به ششصد نفر بی‌کار شده‌اند.

- به گزارش شبکه ایران، بعد از ظهر روز 18 بهمن 1388، جمعی از کارگران تونل توحید در مقابل این تونل تجمع کردند. این تجمع سبب شد تا مسیر شمال به جنوب بزرگراه چمران از برج میلاد تا درب تونل با ترافیک شدیدی همراه شود.
طبق این گزارش، جمعی از کارگران تونل توحید به دلیل عدم پرداخت حقوق معوق خود در حالی که برخی از آن‌ها لباس کار پوشیده بودند به نشانه اعتراض در برابر ورودی‌های این تونل خوابیده و از عبور و مرور خودروها جلوگیری کردند.
این اقدام آن‌ها تا قبل از آمدن پلیس راهنمایی و رانندگی، سبب شده بود تا نزدیک به نیم ساعت، خودروها در ورودی و داخل تونل از حرکت باز ماندند. همچنین برخی از مسافران در همبستگی با کارگران اعتصابی، با تلفن همراه خود برای گرفتن عکس و فیلم از این

تجمع روانه تونل شدند که این امر نیز بر شدت ترافیک افزود. با این حال، ورود پلیس راهنمایی و رانندگی و دخالت آن‌ها، سبب شد تا ترافیک بزرگراه چمران و خیابان‌های اطراف آن، سبک‌تر گردد.

- روز دوشنبه 19 بهمن ماه، مدیر عامل شرکت متروی تهران اعلام کرد 400 کارگر کارخانه‌های واگن‌سازی به دلیل عدم پرداخت بدهی‌های دولت بی‌کار شده‌اند.

این کارگر در حکومت در این خصوص اضافه کرد قرار بود دولت احمدی نژاد 48 میلیارد تومان به بخش تولید اتوبوس و مترو اختصاص دهد اما تاکنون فقط 14 میلیارد تومان آن پرداخت شده است که این امر به دلیل عدم تامین تجهیزات و قطعات برای کارخانه‌های واگن‌سازی موجب بی‌کاری 400 کارگر گردیده است.

... -

بدین ترتیب، با مراجعه به آمارها و ارقام اقتصادی، بی‌کاری و تورم و گرانی واقعی و سطح دست‌مزدها بسیار پایین می‌توان به سادگی به این نتیجه رسید که وضع اکثریت مردم ایران، به ویژه مزدبگیران و بی‌کاران و فقرا، بسیار وخیم‌تر است. هر روز هزاران کارگر به صف بی‌کاران افزوده می‌شود و دست‌مزدها هزار کارگر نیز ماهه است که پرداخت نشده است. این وضعیت غیرقابل دوام و تحمل است.

پیش‌بینی می‌شود که با اجرای طرح هدفمند شدن یارانه‌ها و افزایش قیمت‌ها، سطح تقاضا کاهش یابد و به دنبال رکود و کاهش تولید، شمار دیگری از صنایع دچار بحران شود و کارگران بیش‌تری نیز بی‌کار گردند.

در کشوری که بر اساس گزارش بانک مرکزی آن، سقف خط فقر بیش از 700 هزار تومان است، اگر حداقل دست‌مزدها 263 هزار تومان تعیین شود سال بسیار سخت و غیرقابل تحمل و کمرشکنی در انتظار خانواده‌های کارگری است.

بنا به گزارش خبرگزاری حکومتی مهر، 27 بهمن 1388، نماینده سابق کارفرمایان حکومت اسلامی در سازمان جهانی کار گفت: حذف یارانه‌ها خط فقر را به بیش از یک میلیون تومان و نرخ تورم را نیز به 40 درصد افزایش خواهد داد.

عباس وطن‌پرور از افزایش خط فقر به یک میلیون تومان در سال آینده خبر داد و گفت: افزایش 40 هزار میلیارد تومانی رقم بودجه به دلیل اجرای طرح هدفمندکردن یارانه‌ها، خط فقر را به بیش از یک میلیون تومان و نرخ تورم را نیز به بیش از 40 درصد خواهد رساند.

نزدیک به 88 درصد از جویندگان کار را جوانان، به ویژه فارغ‌التحصیلان دانشگاهی تشکیل می‌دهند. جوانان آگاهی که رهایی خود و کل جامعه ایران را از سرکوب و سانسور و فقر و فلاکت فرزانده سیاسی و اقتصادی، در مبارزه پیگیر برای تغییر وضعیت موجود می‌دانند در واقع پای اصلی سازمان‌دهندگان اعتراضات خیابانی و برپایی تشکل‌های محلات هستند.

بحران‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جامعه ما، روز بروز تعمیق و گسترش بیش‌تری می‌یابد. ساکت کردن کارگران و همه معترضان و آزادی‌خواهان از راه‌های تهدید و ارعاب، دستگیری و زندان، شکنجه و اعدام، شرایط جامعه را هر چه بیش‌تر بحرانی و ملت‌هت‌هت می‌سازد. بنابراین، امروز اکثریت مردم ایران، حکومت تروریستی اسلامی را نمی‌خواهند و به همین دلیل با اعتراض و اعتصاب و راه‌پیمایی تلاش می‌کنند تا با خونریزی و قربانی دادن کم‌تر، این حکومت جانی را تغییر دهند و یک بار برای همیشه به جهل و جنایت، ترور و خشونت، فقر و فلاکت در کشورشان، پایان دهند. بر این اساس، کارگران و مردم کم‌درآمد و بی‌کار بیش‌ترین هزینه‌های اقتصادی و سیاسی را در مبارزه خود می‌پردازند. احکام اعدام و تهدید به اعدام‌ها، بیش‌تر، آن‌ها را از سوی مسئولان رده بالای اجرایی و قضایی و نظامی حکومت، تأثیر چندانی بر عزم و اراده مردم و مبارزه آن‌ها ندارد.

طبقه کارگر ایران در این سی و یک سال شاهد سیاست‌های مختلف از لیبرال‌های اول انقلاب گرفته تا اصلاح‌طلب‌ها و اصول‌گرایان ضدکارگر بوده است. در دوره اوج قدرت اصلاح‌طلبان که اداره تشکل‌های کارگری و کارفرمایی، وزارت کار و مجلس و به طور کلی دولت را در اختیار داشتند، حتی با انجمن صنفی کارگران را نیز که خود آن‌ها را در مقابل شورای اسلامی خانه کارگر علم کرده بودند، به واسطه این که تشکل کارگری مستقل بود، تحمل نکردند و آن‌ها را نپذیرفتند. بنابراین، کارگر ستیزی سران و جناح‌های حکومت اسلامی در این سی و یک سال، همواره در جریان بوده است.

در این سی و یک سال حکومت اسلامی در ایران، از لیبرال‌ها و اصلاح‌طلبان تا اصول‌گراها با اخراج‌سازی‌ها، تعدیل‌ها، تعطیلی کارخانجات، عدم پرداخت به موقع دست‌مزدها و غیره بی‌حقوقی‌های فراوانی را به کارگران و خانواده‌های آن‌ها تحمیل کرده‌اند. هر موقع کارگران در مقابل بی‌حقوقی‌های فزاینده به مبارزه برخاسته‌اند بلافاصله به نیروهای سرکوبگر خود فرمان داده‌اند تا به وحشیانه‌ترین شکلی اعتراض و اعتصاب کارگران را سرکوب کنند. هر موقع فعالین کارگری تلاش‌هایی را در جهت برپایی تشکل‌های مستقل کارگری خود آغاز کرده‌اند تحت تعقیب پلیسی قرار داده و زندانی شده‌اند.

برای نمونه، بنا به گزارش خبرگزاری‌ها، روز سه‌شنبه 20 بهمن 1388، منصور اسانلو فعال کلرگری و رییس هیات مدیره سندیکای شرکت واحد و اتوبوسرانی تهران که دوران محکومیت خود را در سالن 10 زندان رجایی شهر می‌گذراند در پی یورش گارد زندان به این سالن و ضرب و شتم زندانیان اعتراض نموده و از آن تاریخ به سلول انفرادی بند 1 معروف به «سگدونی» منتقل شده است. در ماه‌های اخیر یورش گارد زندان و ضرب و شتم زندانیان به امری عادی بدل شده است و در آخرین مورد این درگیری که به شورش زندانیان تبدیل شد، آخرین رییس بند 1 و یک تن از نیروهای گارد مورد ضرب و شتم زندانیان قرار گرفتند.

اما اعتراضات اخیر مردمی، به شدت تعادل سیاسی سران حکومت اسلامی را بر هم زده و کشمکش بین جناح‌ها و سران آن نیز به حدی شدیدتر شده است که دولت از وظایف خود ناتوان مانده است. قالیباف، شهردار تهران، در سخنرانی خود به مناسبت 22 بهمن در قم، گفته است: «بدون تعارف و با صراحت می‌گویم که یک سال است که گویی کار در کشور تعطیل شده است. از پارسال همین موقع همه آماده شدند برای انتخابات و آن رویداد و افتخار بزرگ به وقوع پیوست، اما متأسفانه پس‌لرزه‌های آن هم چنان ادامه دارد. به راستی چه کسی پاسخگوی این یک سال وقت و سرمایه کشور است؟»

سرکوب‌های خیابانی و شکنجه و تجاوز به بازداشت‌شدگان در زندان‌ها، نه تنها باعث سکوت و عقب‌نشینی مردم نشده، بلکه روزبروز نیز ابعاد اعتراضات و اعتصابات گسترده‌تر و شعارها نیز رادیکال‌تر می‌گردد. روزی نیست که خبر دستگیری و زندانی کردن فعالین جنبش کارگری، جنبش دانش‌جویی، جنبش زنان و همچنین روزنامه‌نگاران و به‌طور کلی خبر تشدید سانسور و اختناق شنیده نشود، اما با وجود این همه وحشی‌گری سران و نیروهای سرکوبگر حکومت اسلامی، مردم معترض از هر فرصتی استفاده می‌کنند و به خیابان‌ها می‌ریزند تا خشم و نفرت و بی‌زاری خود را از کلیت حکومت جهل و جنایت، سانسور و اختناق اسلامی ابراز کنند. تنها در هشت ماه اخیر، تحولات جامعه ایران، یکی از خبرسازترین کشورهای جهان بود و اخبار تحولات و وقایع آن علاوه بر سایت‌های اینترنتی، فیس‌بوک‌ها، تویترها، وبلاگ‌ها، رادیوها و تلویزیون‌ها و دیگر رسانه‌های بین‌المللی وسیعاً انعکاس پیدا کرده است. دلیل اصلی آن، جنبش اعتراضی عمومی و خودجوش میلیون‌ها تن از مردم ایران بر علیه حکومت اسلامی و در پیشاپیش همه جوانان دختر و پسر است.

اکنون آزادی فوری و بی‌قید و شرط همه زندانیان سیاسی، لغو هرگونه شکنجه و اعدام، لغو سانسور و اختناق، لغو آپارتیید جنسی، لغو کار کودکان و تامین زندگی آن‌ها و خانواده آن‌ها، آزادی تشکل، پرداخت همه دست‌مزدهای معوقه، برقراری بیمه بی‌کاری برای همه کارگران بی‌کار و جوانان جویای کار، افزایش سطح دست‌مزدها متناسب با تورم و گرانی واقعی و غیره از جمله پایه‌ای‌ترین خواسته‌های این دوره از مبارزه مردم ایران هستند.

در چنین شرایطی و در حالی که بحران اقتصادی و سیاسی جامعه مان را فراگرفته است بی‌شک مهم‌ترین اولویت فعالین کارگری و تشکل‌های موجود آن‌ها، تدوین مطالبات عمومی و پایه‌ای کارگران و امر تشکل‌یابی سراسری است که کارگران حول این مطالبات، تشکل‌های خود هم‌چون شوراها، کمیته‌ها، کانون‌ها و دیگر تشکل‌های دل‌خواه خود را به وجود می‌آورند و مبارزه طبقاتی خود را در سطح سراسری و متحد علیه سرمایه‌داران و دولت حامی آن‌ها، سازمان‌دهی می‌کنند. آن‌هم در شرایطی که میلیون‌ها انسان معترض به طور خودجوش به خیابان‌ها می‌ریزند تشکل‌های کارگری می‌تواند این حرکت خودجوش را به یک حرکت آگاهانه و هدفمند تبدیل کند و مبارزه موجود در جامعه را به سطح عالی‌تر انقلابی ارتقا دهد.

بیست و هفتم بهمن 1388 - شانزدهم فوریه 2010